

تبیین حقیقت صراط مستقیم از منظر عرفانی امام خمینی (ره)

پوران باقری افشار^۱

مریم بختیار^۲

علی یار حسینی^۳

چکیده

صراط مستقیم یکی از مهمترین موضوعاتی است که قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام بدان اشاره کرده‌اند. امام خمینی (ره) نیز در بیانات و آثار قلمی خویش هم به زبان توده‌ی مردم و هم عارفانه از آن سخن گفته‌اند. ایشان، سعادت انسان را در قرار گرفتن در صراط مستقیم و حرکت و رشد در این مسیر متعالی می‌دانند. در این پژوهش توصیفی - تحلیلی "حقیقت صراط مستقیم از منظر عرفانی امام خمینی (ره)" تبیین شده است. اهمیت معنای حقیقی و ملکوتی و سلوک عرفانی امام، تحقیق علمی پیرامون حقیقت صراط را لازم و ضروری نشان داد. چرا که تا آن حقیقت ملکوتی آشکار نشود نمی‌توان سراغ مصادیق آن رفت و همچنین عدم درک حقیقت صراط، تعدد صراط را در پی خواهد داشت. حقایق مانند بطون هستند که سخن از یک حقیقت، رد و نفی حقیقت دیگر نیست. اگر حقیقت صراط، توحید و ولایت است این دو امر از یکدیگر جدا نیستند و اگر صراط در دنیا کشیده شده است، در واقع همان مسیر صحیح توحید و پذیرش ولایت است. در کلام امام خمینی (ره) صراط مستقیم تشریحی که ادامه صراط تکوینی است از عالم دنیا محسوس آغاز می‌شود و تا لقا الله که مقصد نهایی است کشیده شده است و هنگامی که در جهان آخرت حجاب‌ها کنار برود این صراط به صورت پلی محسوس بر روی جهنم مشاهده خواهد شد. در حقیقت صراط اخروی تجسم صراط دنیوی است. در دیدگاه عرفانی امام خمینی انا لله و انا الیه راجعون و اسفار اربعه در حقیقت اشاره به صراط مستقیم است. در این سفر روحانی، انسان‌ها با سیر و سلوک و طی کردن آن، به کمک هادیان صراط مستقیم به حقیقت صراط می‌رسند.

واژگان کلیدی

قرآن، صراط مستقیم، عرفان، حقیقت، امام خمینی.

۱. دانشجوی دکتری گروه عرفان اسلامی و اندیشه‌های امام خمینی (ره)، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

Email: p.bagheryafshar@gmail.com

۲. استادیار، گروه عرفان اسلامی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: Bakhtyarmaryam@yahoo.com

۳. استادیار، گروه عرفان اسلامی، واحد مسجد سلیمان، دانشگاه آزاد اسلامی، مسجد سلیمان، ایران.

Email: Hoseinimimis@gmail.com

پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۶/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۳/۲۲

طرح مسأله

قرآن کریم دارای ظاهر و باطنی است. باطن قرآن کریم نیز دارای حقایقی است که جز صاحبان حقیقت کسی از آن آگاه نیست. طبق روایت، هر حرف قرآن هفت یا هفتاد بطن دارد. معانی قرآن حجاب‌های متعدد دارد و کسی می‌تواند معنای باطنی و حقیقت آن را درک کند که خود نیز از حجاب‌های ظلمانی و نورانی به دور باشد و هر چه از این حجاب‌ها دورتر باشد به معنای باطنی قرآن نزدیک‌تر است. هر چیزی دارای حقیقتی است غیر از آنچه که در ظاهر وجود دارد و این قضیه در مورد صراط مستقیم نیز صادق است. صراط مستقیم نیز دارای حقیقت و باطنی است باطنی که باید به آن پرداخته و معنای آن روشن شود.

در روایات متعدد از صراط به عنوان پلی یاد شده که بر روی جهنم کشیده شده است که از موی باریک‌تر و از شمشیر تیزتر است. (ابن بابویه، بی تا: ۱۷۷). در این روایت که تشبیه معقول به محسوس است امام صادق علیه السلام برای فهم صراط در عالم ماده و دنیا، آن را به پلی با ویژگی‌های از موی باریک‌تر و از شمشیر تیزتر تشبیه کرده است. صراط مستقیم از مبدا طبیعت که عالم دنیا و محسوس است تا به لقا الله کشیده شده است و هنگامی که در جهان آخرت حجاب‌ها کنار برود این صراط به صورت پلی محسوس بر روی جهنم مشاهده خواهد شد. آنچه که در روایات و کلام بزرگان و از جمله امام نیز مورد تایید و تاکید فراوان قرار گرفته است اعتقاد و ایمان داشتن به این نکته است که دانستن حقیقت صراط مستقیم، ما را از ماندن در ظاهر و صورت صراط دور می‌کند. «اهل مراقبه و سالکان الی الله برای نجات از گمراهی و بودن در صراط مستقیم نباید فقط به صورت و ظاهر اشیاء قناعت کنند. بلکه باید ظاهر را مرآت باطن قرار داده و از صورت، حقایق را کشف کنند.» (رک امام خمینی، ۱۳۷۸: ۶۴).

ملکوت اشیا راهی به سوی صراط مستقیم

اولین سخن پیرامون صراط، درک حقیقت آن است چرا که تا حقیقت آشکار نشود نمی‌توان سراغ مصادیق آن رفت و علم حقیقی از نگاه امام نیز علمی است که «چراغ

هدایت ملکوت و صراط مستقیم تقرب حق و دار کرامت حق باشد.» (امام خمینی، ۱۳۸۰: ۳۷۳). ملکوت در اصطلاح به «عالم ارواح و عالم غیب و عالم معنی گفته می‌شود؛ به عبارت دیگر در سلسله مراتب عوالم وجود، پایین‌ترین عوالم را عالم طبیعت "ملک"، ظاهر" می‌نامند و مرتبه بعدی و باطن آن را عالم ملکوت می‌گویند که عالم ارواح و غیب و معنی هم نام گرفته است.» (رک ۱۳۹۲: ۱۲۶).

در آیه شریفه خداوند به ملکوت اشیاء اشاره دارد و می‌فرماید: «فَسُبْحَانَ الَّذِي يَبْدِئُ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ» (یس: ۸۳). پیامبر اکرم ﷺ نیز در روایتی می‌فرمایند: «اللَّهُمَّ ارِنِي الْأَشْيَاءَ كَمَا هِيَ» (ابن ابی جمهور، ج ۴: ۱۳) امام در توضیح این روایت می‌فرماید: «ما نمی‌توانیم اشیا را «کما هی» بشناسیم یعنی موجودات را آن‌طور که هستند و آن‌طور که موجودات با مبدا ربط دارند، بشناسیم در صورتی که شناخت ماهیات اشیا امر آسانی است.» (رک امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۹: ۳۲۵). امام با عنایت به کلام حق و روایات «تمام موجودات ظاهره و باطنه و تمام عوالم غیب و شهادت را در تحت تربیت اسماء اللّه می‌داند که این موجودات به ظهور اسماء اللّه ظاهر هستند و جمیع حرکات و سکانات آن‌ها و در واقع تمام عالم، به قیومیت اسم اللّه الاعظم موجود و ظاهر است.» (همان: ۲۹۷). چرا که «برای هر موجود علوی یا سفلی، فلکی یا عنصری، وجهه‌ای ملکوتی است که با آن وجهه به عالم ملائکه اللّه متصل و با جنود حق در پیوند است.» (همان: ۴۱۶). «انسان نیز با مواظبت بر احوال خویش شاید به مدد لطف و رحمت خداوند متعال راهی برای او از عالم ملکوت باز شود که به صراط مستقیم انسانیت هدایت شود که اگر ملکوت را مشاهده کرد سلوک الی الله برای سالک آسان می‌شود.» (رک امام خمینی، ۱۳۹۲: ۲۷). پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: «انا مدینه الحکمه و هی الجنه و انت یا علی بابها» (ابن بابویه، بی تا، ج ۱: ۱۷۳). معنی لغوی حکمت «دانایی و معرفت است و در اصطلاح حکمت علم به حقایق اشیا و اوصاف و خواص و احکام آنها، آن‌طور که هستند، می‌باشد.» (امام خمینی، ۱۳۸۳: ۳۲۵).

همان‌طور که بیان شد پیامبر اکرم ﷺ علم را به بهشت تفسیر می‌کنند و حقیقت بهشت نیز علمی است که بدان عمل می‌شود و پیامبر اکرم ﷺ خود بهشت است و امیر

المومنین علی علیه السلام که جان و نفس پیغمبر است نیز خود بهشت است نه اینکه او را به بهشت ببرند و حضرات معصومین علیهم السلام که صراط مستقیم و بهشت هستند انسان‌ها را نیز به همراه خود به صراط النعیم هدایت می‌کنند.

توحید مقصد صراط مستقیم

توحید مقصد اعلای انبیاء است. توحید در صورتی حاصل می‌شود که انسان، آیین زندگی اش را مطابق برنامه‌های ارائه شده از ناحیه انبیاء قرار دهد.

توحید بر دو قسم است: توحید عام و توحید خاص. «سیره توحیدی نبی اکرم صلی الله علیه و آله همان توحید ناب و خاصی است که صراط مستقیم مخصوص به آن استوار است، نه صراط مستقیم همگانی، که کافران و ملحدان و منافقان هم بر آن هستند، چرا که صراط مستقیم عام تکوینی هم به دوزخ و هم به بهشت می‌رسد و هر دو هم از نشانه‌های استقامت راه تکوین است.» (جوادی آملی، ۱۳۷۸ ج ۸: ۱۴۹).

امام صادق علیه السلام در معنای «اهدنا الصراط المستقیم» می‌فرماید: «ما را به راه راست هدایت و راهنمایی کن، به ملازمت راهی که ما را به محبت و بهشت تو می‌رساند و از پیروی هوای نفس که باعث نابودی یا پیروی آراء شخصی که باعث هلاکت است، ممانعت نماید ارشاد بفرما.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۸۹: ۲۲۸). حضرت در این روایت صراط مستقیم را به راهی تفسیر نموده‌اند، که انسان‌ها را به محبت و بهشت خداوند می‌رساند و از پیروی هوا و هوس‌های نفسانی که موجب هلاکت می‌گردد جلوگیری می‌نماید.

صراط توحیدی در کلام امام خمینی (ره)

توحید پایه و اساس اعتقادات و سر آغاز پذیرش دیگر باورهاست. همه‌ی انبیاء الهی آمده‌اند تا فطرت خداجوی انسان را متوجه ذات خداوند کنند. اعتقاد به توحید فراتر از یک مفهوم ذهنی و نظری است و در رفتار و بینش و عمل فرد تاثیر گذار است و شاید از این روست که امام «علم توحید را نیز همچون دیگر علوم عملی می‌داند.» (رک امام خمینی، بی تا: ۲۱۱).

یکی از مقاصد مهم قرآن «دعوت به معرفه الله و بیان معارف الهیه از شؤون ذاتیه، اسمائیه، صفاتیه و افعالیه است که بیشترین مقصود و منظور، توحید ذات، اسماء و افعال

است که بعضی از آنها به صراحت و بعضی به صورت مستقیم در قرآن ذکر شده است. «همان، ۱۳۷۸: ۲۲۷). معارف توحیدی با قلب یافت می‌شوند.

در حدیث آمده است که: از امام صادق درباره صراط سوال شد حضرت فرمودند: «صراط راه به سوی معرفت و شناخت خداوند متعال است.» (صدوق، بی تا، ج ۱، ۳۲). حضرت در این روایت به حقیقت صراط که توحید است اشاره کرده است. در این باره نیز امام خمینی می‌فرماید: «جمیع مقاصد کتاب الهی به یک مقصد واحد برگشت می‌کنند و آن مقصد واحد، حقیقت توحید است که غایت همه‌ی کتب و نهایت و مقاصد همه‌ی انبیاء علیهم السلام است.» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۲۹۸).

در روایت آمده است زمانی که پیغمبر اکرم ﷺ این آیه را تلاوت کرد: «و ان هذا صراطی مستقیماً فاتبعوه و لا تتبعوا السبل فتفرق بکم عن سبیله...» (انعام: آیه ۱۵۳) برای توضیح این آیه نخست خط مستقیمی روی زمین کشیدند و فرمودند: این راه مستقیم است که یکی بیش نیست و سپس در اطراف و جوانب این خط خطوط دیگری نیز کشیدند و فرمودند: اینها راه‌هایی است که شیطان به آنها دعوت می‌کند.

از نظر امام توحید و هدایت در صراط توحیدی، از نعمت‌های خداوند متعال است. چرا که برای سعادت به هر آن چه که نیاز داریم در صراط مستقیم توحیدی نهفته است و بازگشت همه‌ی حقایق و مصادیق صراط به توحید است و چیزی جز صراط توحیدی اصالت ندارد و خداوند این نعمت را «با تعلیمات انبیا به ما انعام کرده است که ما را به راه الله هدایت کنند و این راه موجب می‌شود که تمام عالم به سعادت برسند و تمام جهاتی که در این عالم است چه حرکت‌های قلبی و چه خیالی و چه جوارحی همه به جهت توحید الهی بر می‌گردند و اگر راهی هم بر خلاف این مسیر توحیدی باشد طاغوت است و در حقیقت دو راه بیشتر نیست یا راه الله و یا راه طاغوت است.» (رک امام خمینی، ۱۳۹۲: ۲۴۵).

امام شرط قرار گرفتن در صراط توحیدی را نور ایمان معرفی می‌کند که تا «وقتی قلب سالک از حد علم به حد ایمان نرسد و برهان به قلب نرسد برای سالک هیچ بهره و نصیبی از نور ایمان نیست.» (رک امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۳: ۹۴). ایشان توحید را به عمل

وابسته می‌داند و می‌فرماید: «حقیقت صراط حرکت طبق دستورات شریعت برای رسیدن به توحید است. برای رسیدن به توحید افعالی حرکت در صراط مستقیم بسیار دقیق است چرا که اکثر ریه‌های قلب از نقصان و کمبود توحید افعالی است. باید این کثرات افعال در نزد سالک فانی شود و به وحدت برگردانده شود و فاعلیت حق در قلب او سلطان شود تا به توحید برسد و این هم بواسطه دستورات الهی صورت می‌پذیرد و غایت این صراط نیز رسیدن به معرفت و فناء در توحید است.» (رک همان: ۱۷۰).

توحید افعالی در نگاه امام خمینی (ره)

قرآن و انبیا و ائمه اطهار (علیهم‌السلام) می‌خواهند انسان‌ها در مسیر صراط مستقیم که توحید است قرار بگیرند همان راهی که انبیا و ائمه (علیهم‌السلام) آمده‌اند تا در مسیر آن انسان را با خداوند پیوند بزند. انبیا آمده‌اند که انسان، اسماء و صفات و افعال باری تعالی را بشناسد و با شناخت خداوند در مسیر خداوند قرار بگیرد.

کسی که «توحید فعلی حق تعالی را درک کرد و عالم را صورت فاعلیت خداوند دید به عبارتی "لا مؤثر فی الوجود" را به صورت برهانی و یا به صورت آشکار پیدا کرد، چنین کسی با چشم بصیرت و قلب نورانی نیز حصر استعانت را همان حصر حقیقی می‌داند و کمک سایر موجودات را نیز صورت اعانت حق می‌داند. معنی آیه شریفه: **إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ** نیز اشاره به توحید حقیقی دارد یعنی توحیدی که تمام استعانت‌ها را از خدا بدانیم و قلب خود را از مطلق شرک‌ها پاک نگه داریم و البته کسی که حقیقت توحید در قلب او جلوه نکرد و قلب خود را از مطلق شرک‌ها پاک نمود، **إِيَّاكَ نَعْبُدُ** این انسان حقیقت ندارد و حقیقی نیست و عبادت و استعانت او به حق نیز حقیقی نیست و چنین انسانی طبیعتاً خدابین و خداخواه نیست.» (رک همان: ۲۷۷ - ۲۷۶) و بنابراین ادامه آیه شریفه «اهدنا الصراط المستقیم» نیز شامل حال او نمی‌شود و در صراط مستقیم قرار نمی‌گیرد.

تمسک به ولایت

ولایت خداوند به معنای پذیرش و سرپرستی حق تعالی در تمامی امور است. خداوند متعال این ولایت و سرپرستی را به کسانی داده است که به مقام ولایت رسیده‌اند و اراده

کرده است که توسط اهل بیت (علیهم‌السلام) در عالم خلقت، اجرا شود. کسانی هم که در تحت ولایت امامان معصوم (علیهم‌السلام) قرار بگیرند در حقیقت تحت ولایت خداوند هستند. البته هر انسانی بسته به میزان معرفت و پذیرش ولایت اهل بیت (علیهم‌السلام) تحت نورانیت آنها قرار می‌گیرد چرا که ولی خدا مجرای تحقق ولایت خداوند است. در آیه شریفه خداوند متعال می‌فرماید: «الله ولی الذین آمنوا یخرجهم من الظلمات الی النور...» (بقره: ۲۵۷). در روایت آمده است که مراد از نور در این آیه شریفه «اهل بیت (علیهم‌السلام) می‌باشند.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۴: ۲۳).

ولایت از اقسام توحید افعالی، از مراتب توحید و در امتداد آن است و البته امتداد توحید هم عین توحید است. انسان موحد تجسم توحید است. ائمه معصومین (علیهم‌السلام) نمونه‌ی تجسم خارجی ولایت هستند. درجه پذیرش ولایت به درجه توحید بستگی دارد و شانی از شئون توحید است. هر چیزی را از نشانه‌های آن می‌توان شناخت و ذات امام نیز صورت باطن ولایت است. از آن جا که امام ولی خدا است خداوند هم به وسیله آنها ولایت را بر عالم جاری می‌کند.

در سیر و سلوک عرفانی بدون تمسک و توسل به اهل بیت (علیهم‌السلام) و بدون پذیرش ولایت، طی طریق غیر ممکن و محال است. همه عرفان در بندگی و معرفت و پذیرش فقر وجودی و معرفتی و عملی نسبت به خداوند و اولیاء او خلاصه می‌شود. از آن جا که ولایت یکی از پنج رکن اساسی دین و البته مهمترین آنها است تخطی از پذیرش ولایت یعنی تخطی از دینداری و گمراهی از صراط مستقیم است.

در دیدگاه امام خمینی نیز وجه خدا ولایت مطلقه و فیض مقدس است و «ولایت خاصه محمدیه یا ولایت موروث از حضرت ختمی مرتبت ولایت مطلقه نامیده می‌شود.» (امام خمینی، بی تا: ۲۰۰) در آیه شریفه: «هُوَ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ» (قصص: ۸۸) به این ولایت مطلقه اشاره شده است و در دعای ندبه هم آمده است: «أین وجه اللّٰه الّٰذی الیه یتوجّه الّٰولیاء؟ أین السّبب المتّصل بین أهل الأرض و السّماء؟» و در زیارت جامعه کبیره نیز می‌خوانیم: «و المثل الأعلى» که امام خمینی این "مثلیت" و "وجهیت" را همان "صورت" می‌داند که در این حدیث شریف آمده است: «إنّ الله خلق آدم علی صورته.»

(صدوق، بی تا: ۱۲۸) «یعنی آدم مثل اعلای حق و آیت الله کبری و مظهر اتمّ و مرآت تجلیات اسماء و صفات و وجه الله و عین الله و ید الله و جنب الله است.» (رک امام خمینی، ۱۳۸۰: ۶۳۵). «حقیقت خلافت و ولایت، ظهور الوهیت است و آن، اصل وجود و کمال آن است و هر موجودی که حظی از وجود دارد، از حقیقت الوهیت و ظهور آن، که در واقع حقیقت خلافت و ولایت است نیز حظی دارد. امام نیز در این باره می‌گوید: که در شهادت به الوهیت، شهادتین منطوی است یعنی هم شهادت به رسالت پیامبر ﷺ و هم شهادت به ولایت امیر المومنین علی علیه السلام و در شهادت به رسالت نیز باز آن دو شهادت دیگر نیز منطوی است؛ یعنی شهادت به یگانگی خداوند متعال و شهادت به ولایت امیر المومنین علیه السلام؛ چنانچه در شهادت به ولایت، آن دو شهادت دیگر نیز منطوی است.» (همان، بی تا: ۱۷۴ - ۱۷۵) و در واقع شهادت دادن به صراط مستقیم بودن خداوند رسالت و ولایت است و البته این سه در طول هم قرار دارند. که اولی بالاصاله و دوتای بعدی بالعرض هستند.

رابطه ی توحید و ولایت در رسیدن به صراط مستقیم.

امام خمینی اصول و ارکان ایمان را بر سه اصل می‌داند: معرفت، توحید و ولایت که هر سه نیز از فطریات است. معرفت و توحید را از فطریات اصلی و ولایت را فطرت فرعی می‌داند. حقیقت ولایت در نزد اهل معرفت عبارت است از «فیض منبسط مطلق» (امام خمینی، بی تا، ۱۴). که این فیض «از حدود و تعینات خارج است که از آن به "وجود مطلق" نیز تعبیر می‌شود.» (همان، ۱۳۸۲: ۱۰۰). امام به این مساله مهم اشاره می‌کند و «ولایت را شعبه ای از توحید می‌داند چرا که حقیقت ولایت، فیض مطلق است و فیض مطلق همان ظلّ وحدت مطلقه است و فطرت انسان بالذات متوجه کمال اصلی و بالتبع متوجه کمال ظلّی است.» (همان). ایشان می‌فرماید: «اگر در این عالم انسان به راه راست نبوت و طریق مستقیم ولایت قدم بگذارد و اگر از جاده ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام اعوجاج و لغزشی پیدا نکند خوفی برای گذشتن از صراط آخرت هم برای انسان نیست زیرا که حقیقت صراط صورت باطن ولایت است و هر کس در این صراط ولایت به استقامت حرکت کند و پای قلبش نلرزد، در آن صراط نیز پایش نمی‌لغزد و چون برق خاطف از آن می‌گذرد.» (رک همان، ۱۳۹۲: ۲۳۳). چنانکه در روایات وارد است که «امیرالمؤمنین علیه السلام صراط

است.» (صدوق، بی تا، ۳۲) و در حدیث دیگر است که «ماییم صراط مستقیم» (همان: ۳۵) و در زیارت مبارکه جامعه آمده است که: «أَنْتُمْ السَّبِيلُ الْأَعْظَمُ وَالصِّرَاطُ الْأَقْوَمُ.» (همان، ج ۲: ۲۷۴). خداوند متعال می فرماید: «وان الذین لایومنون بالآخره عن الصراط لنا کیون» (انعام: ۵۳) در توضیح این آیه شریفه در غایه المرام آمده است که مراد از «صراط ولایت اهل بیت است.» (بحرانی، بی تا: ۴۳۴) و مراد از «خارج شدن و پرت شدن از صراط خارج شدن از ولایت اهل بیت است.» (همان: ۴) خداوند متعال در آیه شریفه دیگری می فرماید: «فَاسْتَمْسِكْ بِالذِّیْ أُوحِیَ إِلَیْكَ إِنَّكَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِیْمٍ» (زخرف: ۴۳) پیرامون این آیه شریفه روایتی نقل شده است که پیامبر اکرم ﷺ از خداوند حقیقت صراط را سوال می کنند و خداوند می فرماید: «صراط، ولایت علی بن ابیطالب است.» (مرعشی، ۱۴۰۹: ۱۲۵). و نیز از امیرالمومنین ﷺ نقل شده است: «اگر خداوند تبارک و تعالی بخواهد خود را به بندگانش می شناساند، لکن ما را درها و راه خود قرار می دهد و طریق و سوی می گذارد که از آن می آیند، پس هر که از ولایت ما کناره گیرد یا دیگری را بر ما برتری دهد از راه منحرف شده است.» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۱۸۴). امام خمینی نیز همچون دیگر عرفای شیعه ولایت مطلقه را امیرالمومنین ﷺ می داند. (رک امام خمینی، ۱۳۷۶: ۸۳). در توضیح آیه شریفه: «ان هذا القرآن یهدی للتی هی اقوم و یشیر المؤمنین..» (اسری: ۹) امام صادق ﷺ فرمودند: "یهدی الی الامام" یعنی قرآن به سوی امام هدایت می کند و همچنین از امام باقر ﷺ نقل شده است که فرمود: "هدی الی الولایه" که منظور از هدایت به سوی امام، هدایت به معرفت امام است و همانگونه که قرآن به سوی امام هدایت می کند امام هم به سوی قرآن هدایت می کند چرا که این دو تا ابد به هم پیوسته هستند. پس امام آن طریق راست و استوار و آن صراط مستقیمی است که انسان به سوی آن هدایت می شود.

جهنم دنیا از منظر عرفانی امام خمینی (ره)

بعد دیگری از حقیقت صراط، این مرتبه است که صراط فقط پلی بر جهنم آخرت نیست بلکه حقیقت آن در همین دنیا نیز وجود دارد و پلی کشیده شده در همین دنیا است. سخن از یک حقیقت رد و نفی حقیقت دیگر نیست. اگر حقیقت صراط، توحید و ولایت است این دو امر از یکدیگر جدا نیستند و اگر صراط در دنیا کشیده شده است در واقع

همان مسیر صحیح توحید و پذیرش ولایت است و تبعیت و دل سپردن به آن دو، سعادت انسان را تضمین می‌کند.

امام خمینی در عین حالی که شروع صراط مستقیم را همچون دیگر عرفا و فلاسفه، از ذات باری تعالی می‌داند اما مکرر در کتاب‌ها و سخنرانی‌هایشان با عناوین مختلفی شروع صراط مستقیم را از دنیا و تعابیر دیگری همچون: دار، طبیعت، اسفل سافلین و از علق می‌داند و مرتب بر این موضوع تأکید دارند که «راه مستقیم از دنیا و اسفل السافلین شروع و به اعلا علیین ختم می‌شود. صراط مستقیم یک سرش طبیعت است و طرف دیگر آن مقام الوهیت است و انسان از طبیعت شروع می‌کند و انتخاب این راه ارادی است و انسان با میل و اختیار خود راه را انتخاب می‌کند و می‌تواند به آنجایی برسد که در وهم هم نمی‌گنجد.» (همان، ۱۳۸۹، ج ۸: ۳۲۷). امام در این عبارات به هدایت و در حقیقت به صراط تشریعی اشاره کرده است که مخصوص انسان است و ارادی و با اختیار خود او صورت می‌گیرد و این انسان است که از میان راه راست و راه مغضوب علیهم، یکی را به اختیار انتخاب می‌کند و البته اختیار و اراده مخصوص دنیای مادی است و از دنیا آغاز می‌شود.

انسان، جهنم و بهشت دنیا

در آیات شریفه قرآن کریم آمده است: «وجيء يومئذ بجهنم يومئذ يتذکر الانسان و انى له الذکرى» (فجر: ۲۳). روایات فراوانی در توضیح این آیه شریفه آمده است مبنی بر اینکه جهنم را در قیامت می‌آورند و حاضر می‌کنند و در واقع جهنم از قبل آماده است. از جمله این روایات این است که «پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: روح الامین به من خبر داد که خدایی که جز او خدایی نیست به هنگامی که خلائق ایستادند، همه اولین و آخرین را جمع کرد جهنم را می‌آورد در حالی که با هزار افسار به جلو رانده می‌شود که هر افساری را هزار فرشته غلاظ و شداد دارند.» (فیض کاشانی، ج ۱۳: ۱۰۵) باز در آیه ی شریفه دیگری آمده است: «... فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْجِجَارَةُ...» (بقره: ۲۴). در این آیه مبارکه تصریح شده است که انسان هیزم جهنم است. براساس این آیات شریفه، جهنم را می‌آورند اما جهنم مکان نیست که آورده شود. مکان که قابل حمل و نقل نیست پس می‌توان نتیجه گرفت که جهنم خود انسان است که آورده می‌شود و در واقع «دوزخی دوزخ

را از دنیا با خود می برد و بهشتی نیز بهشت را و بهشت و دوزخ در خود انسانها هستند و هر کس زرع و زارع و مزرعه ی خود است.» (حسن زاده آملی، ۱۳۶۵: ۷۰۰). در لسان فیض کاشانی نیز «جهنم به هنگام ظهور و بروز در نشأ آخرت همان باطن دنیا است.» (فیض کاشانی، بی تا: ج ۱۳: ۱۰۵).

معنی لغوی دنیا از ریشه دنی به معنای پست می باشد. «در لسان انبیا دنیا به معنای خیلی پست است.» (امام خمینی، ۱۳۸۹: ۴۱۵). که در قرآن نیز بدان اشاره شده است: «أَسْفَلَ سَافِلِينَ» (تین: ۵). همین دنیای پست از آن جهت که واسطه و پلی است که انسان را به درجات و مقامات انسانی می رساند ممدوح است چراکه «دنیا محل رویش درخت انسانیت و کشتزار بذر حقایق وجود و محل آشکار شدن نورهای پاک است که اگر چنین نبود، بالا رفتن از پله های کمال نیز برای موجودی حاصل نمی شد و احدی به فنای در حق نمی رسید. پس، دنیا با همه پستی اش اصل و ریشه تمام حقایق و کلید درهای رحمت است.» (امام خمینی، ۱۳۹۱: ۱۸) و سالک طریق حق باید کمال استفاده از این رحمت الهی را بنماید و «نزول انسان و هبوط انسان به اسفل سافلین به این دنیای پست برای سلوک اختیاری الی الله و در واقع عروج به معراج قرب الهی است.» (رک همان، ۱۳۷۸: ۱۰۲).

در روایات آمده است: «رأس کلّ خطیئة حبّ الدنیا.» (مجلسی، بی تا: ۵۴۳). طبق کلام امام صادق علیه السلام «تعلق قلب و محبت، دنیا است و هر چه دلبستگی به دنیا زیادتیر باشد، حجاب بین انسان و دار کرامت او و پرده ی بین قلب و حق بیشتر و غلیظتر است و خرق این حجاب مشکل تر است و اینکه در بعضی از احادیث شریفه آمده است که برای خداوند هفتاد هزار حجاب های نورانی و ظلمانی است منظور از ظلمانی همین تعلقات قلبیه به دنیا می باشد.» (رک امام خمینی، ۱۳۸۰: ۱۲۱).

آنچه که در لسان عرفا و بزرگان و امام به عنوان دنیای مذموم شناخته شده است و با عنوان جهنم دنیا از آن یاد می شود «دنیای خود انسان است، به معنای دلبستگی قلب به طبیعت و محبت به آن که منشأ تمام مفاسد و خطاهای قلبی و قالبی است.» (همان) و «مربوط به نفسانیت انسان و شهوات و آمال و آرزوهای انسان است.» (همان، ۱۳۸۹: ج ۱۳: ۳۴). عالم ملک «مظهر حق و مقام ربوبیت او است و حبّ به آن اگر ناشی از حبّ به خدا

می‌باشد و به عنوان جلوه او جلّ و علا می‌باشد، که مطلوب و موجب کمال است و اگر ناشی از حبّ به نفس باشد رأس همه خطیئه‌ها است، پس دنیای مذموم در خود انسان است که این علاقه‌ها و دل‌بستگی‌ها به غیر صاحب دل موجب سقوط است.» (همان: ۲۱۴).

امیر المومنین علیه السلام می‌فرماید: «الدنيا دار ممر لا دار مقر» (امیر المومنان: حکمت ۱۳۳) امام خمینی نیز به تاسی از مولا این «دنیا را محل عبور و راه و صراطی می‌داند که اگر کسی این صراط را مستقیم طی کند همانطور که اولیای خدا طی کردند و به سلامت عبور کردند سعادت‌مند خواهد شد و نجات می‌یابد و اگر کسی در این راه لغزشی داشته باشد در سرای آخرت نیز لغزش پیدا می‌کند و موجب گرفتاری‌ها می‌شود.» (رک امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۳: ۲۳۵). صورت بهشت و جهنم جسمانی در حقیقت «همان صورت اعمال و افعال حسنه و سیئه انسان است که در آن عالم به آنها رجوع می‌کنند.» (امام خمینی، ۱۳۸۰: ۳۶۲).

امام خمینی بر طبق روایات که صراط از موباریکتر و از شمشیر تیزتر است «صراط در این دنیا را راهی بسیار دقیق و ظلمانی می‌داند که عبور از آن برای واماندگان مشکل است و هرکسی به اندازه سیرش در صراط دنیا در آخرت نیز همین سیر منعکس می‌گردد.» (همان، ۱۳۸۹، ج ۱۸: ۴۴۹) «صراط آخرت باطن و انعکاس صراط دنیا است و اکنون همه در حال حرکت در صراط هستیم. پرده که برداشته شود آن وقت صراط جهنم که از متن جهنم می‌گذرد و آتش اطرافش را فرا گرفته است آشکار می‌گردد و آتش جهنم همان فسادی است که در دنیا انسان را احاطه کرده است و انسان باید از میان این فسادها سالم عبور کند هم چنان که انبیا عبور کردند. برای انبیا آتش خاموش و سرد بود آنچه‌ان که برای حضرت ابراهیم علیه السلام خاموش بود. «جُزْنَا وَ هِيَ خَامِدَةٌ» (فیض کاشانی، ج ۲: ۹۱۷). آخرت نیز انعکاس همین دنیا است. همه‌ی چیزهایی که در آن عالم واقع می‌شود عکس‌العمل همین چیزهایی است که در این عالم است.» (همان، ج ۱۸: ۵۰۱-۵۰۲).

پس بهشت و دوزخ در انسان هستند و هیچ کس را به بهشت و جهنم نمی‌برند بلکه خود انسان است که بهشت یا جهنم می‌شود و بهشت یا جهنم را با خود می‌برد. بهشت و جهنم با علم و عمل در انسان رشد و نمو پیدا می‌کند. انسان اگر به نواقص دنیا متوسل شود

جهنم است و اگر به کمالات دنیا متوسل شود بهشت است. چنین انسانی در این دنیا در صراط مستقیم و در آخرت در صراط نعیم است و یا در دنیا جزو مغضوبین و در آخرت در صراط جحیم است.

تفسیر عرفانی «و ان منکم الا واردها...» در کلام امام خمینی (ره)

خداوند متعال در آیات سوره ی مبارکه مریم می فرماید: «فَو رَبِّكَ لِنَحْشُرَنَّهُمُ وَ الشَّيَاطِينَ ثُمَّ لَنَحْضُرَنَّهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثِيًّا... وَ انْ مِنْكُمْ الْاِوَادِهَاتُ كَانَ عَلٰى رَبِّكَ حَتْمًا مَّقْضِيًّا ثُمَّ نَجَّيَ الَّذِيْنَ اتَّقَوْا وَ نَذَرَ الظَّالِمِيْنَ فِيْهَا جِثِيًّا» (مریم: ۷۳-۷۲). ظاهر آیه، ورود همه‌ی انسان‌ها به جهنم است و در آخر نجات متقین و گرفتاری ظالمین را نشان می‌دهد. امام خمینی در تفسیر این آیه شریفه می فرماید: «مقصود از این اقبال و دخول در دنیا و در دار طبیعت است، زیرا که دار طبیعت، صورت جهنم است، چنان که جهنم، صورت دار طبیعت است و از این جهت صراط که عبورگاه مردم است به سوی بهشت، بر تن جهنم است و شاید آتش محیط به آن باشد، یعنی از جوف آتش صراط را کشیده باشند، منتها آنکه، برای مؤمن لهیب آتش منتفی و خاموش است.» (امام خمینی، ۱۳۸۲: ۴۵). «پس هر کس که در جهان پایش بلغزد و از جاده و از صراط مستقیم دیانت دور بیفتد، در جهان آخرت نیز از صراط جهنم پرت می‌شود آنچنان که پرت شدن در این دنیا موجب هلاکت و غوطه ور شدن در ورطه‌ی هلاکت اوصاف رذیله است، در سرای آخرت نیز ورطه‌ی هلاکت نار جهنم است.» (امام خمینی، ۱۳۹۲: ۱۲۰). و «هرکس که در این صراط به استقامت حرکت کند و پای قلبش نلرزد، در آن صراط نیز پایش نمی‌لغزد و چون برق خاطف از آن بگذرد.» (همان، ۱۳۸۰: ۳۶۰)

تجسم اعمال و حقیقت صراط

در قرآن کریم و به تبع آن در روایات ائمه علیهم‌السلام موضوع مهم حضور اعمال در قیامت مطرح شده است. طبق قول خداوند متعال که می فرماید: «وَ وَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا» (کهف: ۴۹) پاداش و عقاب انسان‌ها بسته به اعمال خود آنها می‌باشد و چیزی خارج از اعمال انسان نیست. احادیث بی شماری نیز در تجسم اعمال آمده است من جمله از کلام امام صادق علیه‌السلام که فرمود: «کسی که نمازهای واجب را در اول وقت به جا آورد حدود آنها

را به پا دارد؛ یعنی اجزا و شرایط آنها را درست به جا آورد، فرشته آن نماز را به سوی آسمان بالا برد و آن نماز می گوید: " خداوند تو را نگاه دارد چنانچه تو مرا نگاه داشتی و کسی که بدون علتی بعد از وقت نماز را به جا آورد و حدود را به پا نکرد فرشته نماز را بالا می برد در حالی که نماز سیاه و تاریک است و فریاد می زند که مرا ضایع کردی خداوند تو را ضایع کند." (امالی، ۱۴۰۱: ۲۵۶) و این حدیث شریف علاوه بر آن که دلالت بر صورت ملکوتی اعمال می کند دلالت بر حیات آن‌ها نیز دارد. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۴).

امام خمینی نیز صورت بهشت و جهنم جسمانی را همان صورت اعمال و افعال حسنه و سیئه می داند که در عالم آخرت به آنها رجوع می کند. (همان، ۱۳۸۰: ۳۶۲). از پیامبر اکرم ﷺ نقل است که: «**أَنْهَا هِيَ أَعْمَالُكُمْ تُرَدُّ إِلَيْكُمْ**» (مجلسی، ج ۳: ۹۰) و نیز فرمودند: «**الدنيا مزرعة الاخرة**». (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵، ج ۱: ۲۶۷۹). این آیات و روایات گواه بر تجسم اعمال است.

در قرآن شریف به تعبیرات مختلفه از این حقیقت غیبیه پرده برداشته، چنانچه می فرماید: «**يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُخَصَّرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَ بَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا**» (آل عمران: ۳۰) در این آیه شریفه به صراحت آمده است که انسان خود اعمال را در آن روز می بیند؛ چه اعمال صالحه و چه اعمال سیئه و تأکید کند این مطلب را آنکه می فرماید در ذیل آیه که: آرزو می کند که بین او و اعمال سیئه اش جدایی بسیار باشد. در سوره مبارکه «زلزال» می فرماید: «**يَوْمَئِذٍ يُصَدِّرُ النَّاسَ أَشْتَاتًا لِيُرَوْا أَعْمَالَهُمْ*** **فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ* وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ**» (زلزال: ۸-۶) «ظاهر آیه، بلکه صریح این آیه آن است که مردم اعمال خود را هر چه باشد، در آن نشئه می بینند. و این مطلب، یعنی تمثّل اعمال و صورت غیبیه آنها از مسلمات پیش اهل معرفت.» (امام خمینی، ۱۳۸۲: ۲۸۲).

اسفار اربعه و صراط مستقیم در کلام امام خمینی(ره)

صراط و اسفار اگر چه مفاهیم مختلفی دارند و دو چیز مختلف می باشند اما در مصداق و تطبیق می توانند یک چیز باشند. این دو از هم جدا نیستند. اسفار مراحل کمال انسانی است و طی کردن این مراحل باید در صراط مستقیم انجام بگیرد. اگر اسفار طی

نشود صراطی به وجود نمی‌آید و اگر صراطی نباشد اسفاری نیست.

بزرگان اهل معرفت سفرهای معنوی سالک را که از وطن نفس آغاز می‌شود را به چهار سفر تقسیم و تفسیر کرده‌اند که عبارتند از: «سفر اول: سفر از خلق به سوی حق، سفر دوم: سفر از حق به سوی حق به حق، سفر سوم: سفر از حق به سوی خلق، سفر چهارم: سفر از خلق به سوی خلق به حق.» (موسوی خلخالی، ۱۳۲۲: ۱۹۷). اما در کلام امام خمینی اسفار اربعه عبارتند از: «۱- سفر از خلق به سوی حق مقید ۲- سفر از حق مقید به سوی حق مطلق ۳- سفر از حق به سوی خلق حقی به حق ۴- سفر از خلق (که حق است) به خلق به حق.» (امام خمینی، ۱۳۹۱: ۱۵۴).

در شروع سفر «سالک در عالم دنیا و طبیعت قرار دارد و در حجابهای مختلف طبیعت و نفس گرفتار است، وقتی سالک شروع به سیر می‌کند، آغاز سفرش از خلق شروع می‌شود و از حجابهای عالم خلق می‌گذرد و یکی یکی حجابها را کنار می‌گذارد تا آنکه حق جلوه کرده و از ورای حجابها فعل حق را مشاهده می‌کند و همه کارها و افعال را در فعل حق مستهلک می‌بیند و حق به وجود افعالی بر او ظاهر می‌گردد و سالک خود نیز حقانی می‌شود. پس از وصول سالک به این مرتبه از سفر و مشاهده فناء تمام افعال در فعل حق، سفر دوم وی آغاز می‌شود و چون سالک حقانی شده دیگر سفر دوم سالک در خود حق است و سلوک از مرتبه فعل حق به مراتب دیگر که سیر در اسما و صفات حق است می‌باشد و با عبور از حجاب اسما و صفات به فناء همه اسما و صفات در ذات حق می‌رسد و به حق مطلق وصول پیدا می‌کند و از فعل و صفت و ذات خویش فانی می‌شود. اگر سالک از این فنا به خود بیاید سفر سوم خود را آغاز می‌کند که این سفر نیز حقانی است و سفر از حق به سوی خلق است و حقیقت موجودات و سیر آنها بر وی آشکار می‌گردد.» (همان). که منظور از حقیقت موجودات در این سیر، سفر به سوی اعیان ثابت است که اصل حقایق خارجی می‌باشد و سالک در این مرحله از اسرار و چگونگی سیر آنها اطلاع می‌یابد. پس از آن «اگر سالک سفر چهارم را نیز پیمود و به وجود حقانی از خلق به خلق حرکت کرد به مخلوقات و سود و زیانهای آنها و چگونگی سیر و کمال آنها به سوی وطن اصلی معرفت پیدا می‌کند و از احکام ظاهری و باطنی و از اسما و صفات و ذات حق خبر

می‌دهد و به مقام و نبی صاحب شریعت می‌رسد.» (همان: ۱۵۵). البته باید توجه داشت که «همه رسولان صاحب شریعت این چهار سفر را تمام کرده‌اند ولی تفاوت مراتب آنها به اسمی است که به آن رسیده‌اند و نبی اکرم ﷺ به اسم الله الاعظم رسیده و به همین دلیل شریعت وی خاتم شرایع است و هر صاحب سیری که پس از نبی سفرهای فوق را به اتمام برساند اگر در دایره همان اسم نبی مشرّع باشد تابع ایشان خواهد بود و چون پس از نبی اکرم ﷺ، هر سیری که انجام شود از دایره و محدوده اسم اعظم «الله» نمی‌تواند بیرون باشد پس دیگر هیچ صاحب شریعتی ظهور نخواهد کرد و همه سالکان راه حق تابع شریعت ایشان قرار خواهند گرفت.» (همان).

طی کردن مراحل و منازل اسفار اربعه در روی صراط انجام می‌گیرد و لحظه‌ای بیرون آمدن از صراط مستقیم سفر را طولانی و از مقصد اصلی دور می‌کند. کسی که از کثرات گذشت دیگر از همه چیز غافل است الا خداوند و به غیر حق توجه ندارد. «حضرت آدم علیه السلام هم چون به اسماء نگاه کرد به غیر توجه کرد به هجران مبتلا شد و به عالم طبیعت که منتهای مرتبه‌ی جلوه‌ی محبوب است هبوط کرد.» (امام خمینی، ۱۳۹۲، ج ۱: ۸۴ - ۸۳) و این چنین سفر او آغاز گشت. کثرت حجاب‌ها، چه نورانی چه ظلمانی مانع رسیدن نور هدایت و معرفت به قلب انسان و مانع هدایت در صراط مستقیم است و موجب تداوم و گمراهی و هدایت ناپذیری انسان است.

رابطه‌ی «انا لله و انا الیه راجعون» با صراط مستقیم

صراط مستقیم خطی مستقیم است که از ذات ربوبی شروع و امتداد این خط در سلسله‌ی نزولیه به عالم خلق کشیده شده است و سپس از عالم خلق به حق تعالی که در نهایت یا به اسماء جمالیه و یا به اسماء جلالیه خداوند ختم می‌شود و در حقیقت از دیدگاه امام خمینی اشاره به آیه شریفه: «انا لله و انا الیه راجعون» (بقره: ۵۶) می‌باشد. «انا لله اشاره به قوس نزول» (امام خمینی، ۱۳۷۶: ۲۵) و «الیه راجعون اشاره به قوس صعود» (همان). می‌باشد. هستی از ذات ربوبی شروع می‌شود و «انا لله» یعنی هر آنچه که در این عالم است از خداست. صراط مستقیم نیز از الله آغاز می‌شود. «الیه راجعون» یعنی تمام هستی دوباره به خداوند متعال رجوع می‌کند و نه تنها انسان که تمامی عالم و هر آنچه که در

اوست به سوی او بازگشت پیدا می‌کند بلکه صراط مستقیم نیز به خداوند بر می‌گردد و «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (بقره: ۵۶). در کلام عرفا همان «من الله و فی الله و الی الله» است و در حقیقت توحید است. تمام حقایق هستی با حفظ مراتب در صراط هستند. کل موجودات عالم وصل به صراط مستقیم هستند. خلقت تمام هستی بر پایه حب ذاتی قرار گرفته است و در تمام مخلوقات این حب ذاتی و عشق بر اساس نوری فطری بسوی مقصد که همان ذات باری تعالی است در حرکت است. هستی عاشق و مجذوب خداوند و میل به سمت محبوب و معشوق خود دارد و به سمت او بر می‌گردد و می‌خواهد خود را به محبوب خویش برساند و این نوری که مخلوق را می‌تواند به محبوب برساند صراط مستقیم است. در قوس نزولی تمامی موجودات به حکم هدایت تکوینی در صراط مستقیم هستند و به سوی او به صراط مستقیم ختم می‌شوند و در قوس صعودی انسان به حکم هدایت تشریحی آزاد و مختار است که به این صراط مستقیم تکوینی ادامه بدهد و در صراط مستقیم باقی بماند و یا به راست و چپ منحرف و از صراط مستقیم تشریحی دور شود، هر چند سرانجام ناگزیر از ملاقات پروردگار خود است.

همه‌ی موجودات به سوی خداوند در حرکت هستند "انالله و انا الیه راجعون" بنابراین همه‌ی راه‌ها به خداوند ختم خواهد شد. خدای سبحان در سوره‌ی هود می‌فرماید: «ما من دابه‌ الا هو آخذ بناصيتها ان ربی علی صراط مستقیم» (هود: ۵۶) با توجه به اینکه همه موجودات هستی، دابه و جنبنده هستند. معنای آیه آن است که «خداوند که پروردگار و رب است زمام همه‌ی ذرات عالم را در اختیار خود داشته و همه را به صورت قهری به سوی خود جذب می‌کند و در ادامه از این معنا به حرکت در مسیر صراط مستقیم تعبیر می‌کند.

بنابراین هیچ موجودی در مسیر صعودی از صراط مستقیم خارج نیست اما نکته‌ی مهم این است که این صراط مستقیم، صراط مستقیم وجودی است. یعنی از نظر وجودی، چون حق تعالی غایت قوس صعودی است به طور قهری همگان در یک راه مستقیم به سوی حضرت حق در حرکت اند.» (امینی نژاد، ۱۳۹۰: ۳۵۴-۳۵۳).

نتیجه گیری

از نشانه های ظاهری قرآن نمی توان پی به حقیقت کامل و معنای واقعی آن برد. در کلام امام خمینی قرآن حقیقتی است با بطون مختلف و مفسر واقعی را کسی می داند که مقصد نزول را نشان بدهد نه سبب نزول را. با توجه به دیدگاه تفسیری عرفانی امام خمینی، ایشان در تفسیر و بیان و توضیح آیات و واژگان نورانی قرآن کریم، تفسیر عرفانی را در نظر داشته اند. یکی از این عبارات نورانی در قرآن عبارت " صراط مستقیم " است. در کلام امام، شروع صراط مستقیم از دنیا است و البته منظور ایشان صراط تشریحی است که ادامه ی صراط تکوینی می باشد. ایشان صراط مستقیم را راهی می داند که یک سمتش دنیا و سمت دیگر آن آخرت است به همین علت مکرر توجه مخاطب را به این نکته جلب می کند که انسان هم اکنون در روی صراط قرار گرفته و در حال حرکت است و این نکته ی بسیار مهمی در سعادت انسان است. صراط اخروی تجسم صراط دنیوی است و بهشت و جهنم جسمانی انسان، همان صورت اعمال حسنه و سیئه انسان است و در حقیقت صراط آخرت انعکاس و باطن صراط دنیا است و قیامت تجسم اعمال انسان است. از دیدگاه امام، صراط مستقیم، همانا رسیدن به مقام توحید و فنای فی الله است است و ولایت که در امتداد آن مقام است حقیقتی دیگر از صراط مستقیم است. طی کردن اسفار اربعه نیز بر روی صراط صورت می پذیرد، از طرفی صراط مستقیم خطی مستقیم است که از ذات ربوبی شروع و امتداد این خط در سلسله ی نزولیه به عالم خلق کشیده شده است و سپس از عالم خلق به حق تعالی که در نهایت یا به اسماء جمالیه و یا به اسماء جلالیه خداوند ختم می شود که به نوعی امام نیز همچون سایر عرفا اشاره به دایره عالم تکوین دارد که مشتمل بر دو قوس نزول و صعود است که در حقیقت از دیدگاه امام اشاره به آیه شریفه: « انا لله و انا الیه راجعون » نیز می باشد. در کلام ایشان صراط مستقیم مظهر اسم هادی خداوند است و هادیان صراط، مصادیق صراط مستقیم هستند که در راس آنان خاتم انبیا رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و نیز امیر المومنین علیه السلام است و شهادت دادن به خداوند و رسالت و ولایت در نماز، درحقیقت شهادت دادن به صراط مستقیم بودن خداوند متعال و رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ولی او است. با این تفاوت که اولی یعنی خداوند متعال بالا صاله و دوتای دیگر یعنی رسول اکرم (ص) و ولی او بالعرض اند. یکی از نکات اصلی دیگر این است که امام بعد از طی مراحل اسفار و سیر و سلوک فردی به میان جمع آمد و هدایت جمعی را به سوی صراط مستقیم برعهده گرفت.

فهرست منابع

قرآن

نهج البلاغه

۱. ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین (۱۴۰۵). عوالی اللثالی العزیزیه فی الاحادیث الدینیہ، قم: دار سید الشهداء للنشر
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (بی تا). ترجمه عیون اخبار الرضا علیه السلام، مترجم: حمیدرضا مستفید و علی اکبر غفاری، تهران: نشر صدوق
۳. ابن عربی، بی تا. فتوحات مکیه، چاپ اول. بیروت: دار الصادر
۴. امینی نژاد، علی (۱۳۹۰). آشنایی با مجموعه عرفان اسلامی، چاپ دوم. قم: انتشارات آموزشی و پژوهشی امام خمینی
۵. جوادی آملی، شیخ عبدالله (۱۳۷۸). تفسیر تسنیم، چاپ نهم. قم: نشر اسراء
۶. حسن زاده آملی، حسن (۱۳۸۱). هزار و یک کلمه، چاپ دوم. قم: بوستان کتاب
۷. شیرازی، صدر الدین محمد بن ابراهیم (۱۳۶۰). الشواهد الربوبیه فی المناهج السلوکیه، چاپ دوم. بی جا: مرکز نشر دانشگاه.
۸. (۱۳۸۱). شرح برزاد المسافر، چاپ اول. قم: بوستان کتاب
۹. عطار نیشابوری فریدالدین (۱۳۷۶). لسان الغیب، محقق: حسین حیدرخانی مشتاقعلی، تهران: انتشارات سنایی
۱۰. غزالی، ابو حامد محمد (۱۳۸۶). ترجمه ی احیای علوم الدین، محقق: حسین خدیو جم، تهران: نشر علمی و فرهنگی
۱۱. فیض کاشانی، ملامحمد محسن (۱۳۷۱). نوادر الاخبار، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران
۱۲. قیصری، حکیم داوود (۱۳۷۵). شرح فصوص الحکم قیصری، محقق: سید جلال الدین آشتیانی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی

۱۳. کلینی، محمد بن یعقوب (بی تا) اصول کافی، ترجمه‌ی سید جواد مصطفوی، تهران: نشر کتاب فروشی علمیه اسلامیة
۱۴. مجلسی، ملا محمد باقر (۱۴۰۳). بحار الانوار، بیروت: نشر مؤسسه وفا
۱۵. (۱۳۹۲) تفسیر سوره ی حمد، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
۱۶. (۱۳۷۸). آداب الصلاة، چاپ هفتم، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
۱۷. (۱۳۸۰). شرح چهل حدیث، چاپ ۲۴. قم: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
۱۸. (۱۳۸۲). شرح حدیث جنود عقل و جهل، چاپ هفتم. قم: تنظیم و نشر و آثار امام خمینی
۱۹. (۱۳۸۹). صحیفه امام، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
۲۰. (۱۳۸۳). دیوان امام، تهران: تنظیم و نشر و آثار امام خمینی امام خمینی (بی تا).
۲۱. (بی تا). تقریرات فلسفه امام خمینی، بی جا: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
۲۲. موسوی خلخالی، صالح (۱۳۲۲). شرح مناقب محیی الدین ان عربی، چاپ اول. تهران: کتابخانه ی خورشید
۲۳. نسفی، عزیزالدین (۱۳۸۶). الانسان الکامل، تهران: انتشارات طهوری.